

راهنمای مشاوران مسیحی فصل بیستم

Christian Counselors Manual

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه فصل بیستم کتاب "راهنمای مشاوران مسیحی" است. این کتاب کلاً شامل چهل فصل می باشد و انتشار تمام کتاب در این مکان امکان پذیر نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب از جنبه عملی کتاب مقدس بهر مند شوند تا کلیسای فارسی زبان عیسی مسیح نهایت فیض و رحمت خدا را به دست آورد.

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است.

شاهرخ صفوی

فصل بیستم

آغاز خدمت مشاوره مسیحی

تبلیغ کنید

یک مشاور مسیحی جوان چگونه خدمتش را شروع می کند؟ اگر اعتقادش کاملاً بر اساس کتاب مقدس است، و آموزش، صلاحیت، و سابقه کار کافی را نیز دارد، اولین کاری که باید بکند تبلیغ است. جای تأسف است که احتیاج به چنین کاری است، ولی کشیشان بسیاری یا مسئولیت خود را نادیده گرفته اند و یا خود را بی کفایت نشان داده اند، و زمانی که خادم جدیدی وارد صحنه خدمت می شود اعضای کلیسایش نخواهند دانست چه انتظاری از او داشته باشند. مگر آنها را مطلع کند. این جوان ممکن است زمانی را نیز در انتظار بگذرانند (۱). اما پیر یا جوان، اگر قبلاً شناخته نبوده باشد، معمولاً مدتی خواهد گذشت تا خدمت مشاوره مسیحی او شروع شود. در این مدت، اعضای کلیسا او را برانداز خواهند کرد. اعضا او را در مقابل اعضای دیگر مشاهده خواهند کرد، شناختی که از کلام دارد را خواهند سنجید، و کلاً قبل از آنکه قدم به دفتر او بگذارند او را زیر نظر خواهند داشت. این احتیاط نه تنها لازم است بلکه خوب نیز هست (اول تیموتائوس ۴: ۱۲). اما پس از گذشت زمان معقول، اگر متقاضیانی رجوع نکرده باشند، اشکالی وجود دارد و باید از میان برداشته شود. آنچه نمی توان قبول کرد این است که اعضای کلیسا مقدسینی می باشند که یک پله مانده تا جلال یابند.

حال برگردیم به موضوع تبلیغ. منظور من از تبلیغ این است که نه تنها باید نمونه خوبی بود، بلکه باید مردم را آگاه کرد که می خواهید و می توانید به آن ها کمک کنید. این کار را می توانید به طور مستقیم یا غیر مستقیم انجام دهید. چون راه غیر مستقیم پسندیده تر است آن را ابتدا مورد نظر قرار خواهم داد. تبلیغ غیر مستقیم را می توان ابتدا از طریق موعظه انجام داد. هر موقع کشیشی موضوع موعظه خود را شامل جوانب عملی کلام کند، و مثال های آورده او حقیقی باشد، معمولاً باعث می شود مردم برای کمک به او مراجعه کنند. چه باعث می شود موعظه ای گویای حقیقت باشد. بیش از هر چیز، آنچه نیاز مردم را نسبت به مسائلی که دست به گریبان آند را از طریق کلام خدا برآورده می کند. آنچه عمومی و خیالی است را واقعی و شخصی می گرداند. شنوندگان به این موعظه ها علاقمند خواهد شد و نسبت به آن ها واکنش نشان خواهند داد. پس از شنیدن این موعظه، مردم تنها با اطلاعات بیشتر از کلیسا خارج نخواهد شد. بخود خواهند گفت، "او مرا می شناسد؛ مسئله ای که دارم را می داند." مثال هایی که گویای کشمکش های روزانه اعضا است از اهمیت زیادی برخوردار است.

وقتی اعضای کلیسا متقاعد می شوند که کشیش در همان سطحی است که آن ها هستند، به او رجوع خواهند کرد. پس از کمک به تعدادی از آن ها، خبر به همه خواهد رسید. آنوقت مردم به او رجوع خواهند کرد، و معمولاً با ازدحام. نیاز به تبلیغ در این گونه شرایط خوشبختانه کم است. متقاضیان متقاعد، خود تبلیغ کشیش را خواهند کرد (۲).

اگر پس از تبلیغ غیر مستقیم، دودلی بی اندازه ای نسبت مشاوره وجود داشته باشد، احتمالاً شرایط خاصی در اعضا وجود دارد. ممکن است کشیش قبلی تجربه بدی از مشاوره را گذاشته باشد. شاید کشیش قبلی اطلاعات خصوصی متقاضیان را میان عموم فاش نموده باشد. یا ممکن است رفتار جسورانه ای نسبت به زنی داشته است. آنچه باعث دلسردی اعضا نسبت به مشاوره می شود بسیار است. چه کار می توان کرد تا اعضا را تشویق به مشاوره کرد؟ چگونه می توان نشان داد، چون مقداری از غذا مسموم بوده، نباید از غذا خوردن دست کشید؟

ابتدا باید در دعا صبر کرد. ممکن است با وجود اشکالات قبلی، خدا متقاضیانی را بفرستد. وقتی مردم خود را بی چاره می بینند، دودلی را فراموش می کنند. اگر کمک کافی به این متقاضیان داده شود، ممکن است همین سد معبر را بشکنند. امکان دارد متقاضیانی از کلیسا های دیگری خواهان مشاوره باشند و این نیز کمک به ایجاد در خواست در کلیسای خودش خواهد نمود.

کشیش همچنین می تواند مستقیماً تبلیغ کند. او می تواند مقاله ای راجع به مسائل معمولی که مردم دارند را در ماهنامه کلیسا منتشر کند و در آن آمادگی خود را برای کمک اعلام کند. اگر آشنای درستی از مسائل داشته باشد و کمک واقعی را برساند، مقاله هایش مؤثر واقع خواهند شد. همچنین مقاله ای راجع به خدمت مشاوره مسیحی بعنوان یکی از خدمات کشیش کلیسا مؤثر واقع خواهد شد.

کولسیان ۱

۲۸: ما او را وعظ می کنیم، و هر کس را با کمال حکمت پند می دهیم و می آموزیم، تا همه را کامل در مسیح حاضر سازیم.

اعمال ۲۰

۳۱: پس هوشیار باشید و به خاطر آورید که من سه سال تمام، شب و روز، دمی از هشدار دادن به هر یک از شما با اشکها، باز نایستادم.

این آیات مخصوصاً نیاز همه ایمانداران را به مشاوره خصوصی نشان می دهند (۳). تبلیغات انجام شده ممکن است کاملاً بی اثر باشد، ممکن است نشانه ترس اعضا از مشاوره باشد، یا ممکن است قانع کننده باشد. اگر قانع کننده باشد، نشریه های چاپ شده هر سؤقهایی که نسبت به مشاوره مسیحی وجود داشته را از میان برده است. اگر نتیجه تبلیغات بی اثر باشد آنوقت کشیش باید راه های دیگری را بییماید (۴).

راه دیگری که می تواند اعضای را فرا خواند، مجموعه موعظه هائی است که آن ها را تشویق کند تا جویای کمک شوند. در پایان موعظه کشیش می گوید، در رابطه با موضوعات صحبت شده خواهان تماس شخصی با کسانی است که سؤال یا نیازی را دارند. این مورد را می توان در جراید هفتگی کلیسا نیز اضافه کرد. پیام هایی که در رابطه با خانواده، زندگی زناشویی، روابط شخصی، روابط خانوادگی، تربیت فرزندان، و غیره، با دقت تنظیم شده و حاوی اصول کلام خدا و کاملاً مطابق با مسائل روز است، کمک به مشاوره خواهند کرد. اما باید تأکید کنم که این پیام ها باید موعظه شوند و با زندگی اعضا در سطحی که هستند رابطه پیدا کنند. همین امکان دارد کار را انجام دهد. اما اگر این مجموعه خیالی باشند، امکان دارد بجای کمک صدمه بیشتری را وارد سازند. اعضا ممکن است فکر کنند او اهل ساختن قصر های پوچ و خیالی آسمانی است و هیچ وقت نخواهد توانست به آن ها کمک کند، چون بنظر می رسد هیچ اطلاعی از زندگی به شکلی که هست ندارد.

چگونه مشاوره مسیحی را راه بی اندازیم؟

کار های دیگری را می توان کرد تا محرک مشاوره گردند. من نمی توانم همه را در اینجا نام ببرم؛ به هر حال خلاقیت روحانی که برای ارتباط با نیاز های شخصی تنظیم شده لازم است. در نتیجه بگذارید این پیشنهاد آخر را بکنم. معمولاً در پایان جلسات هفتگی کلیسا، اعضا عادت دارند چند کلمه ای را با کشیش صحبت کنند. با وجود آن که شخصاً مخالف این حرکت هستم، معتقدم که می توان از آن برای محرک

کردن مشاوره استفاده کرد. بعنوان مثال فرض کنیم در پایان جلسه، پرویز به کشیش می گوید: "کشیش، موردی هست که می خواهم با شما صحبت کنم". کشیش باید بلافاصله دفترچه ملاقاتش را بیرون کشیده و وقت آزادی را پیدا کند و بگوید: "حتمأً، سه شنبه آینده ساعت چهار در دفترم چطور است؟". کشیش نباید راجع به موضوع پای تلفن صحبت کند و یا در جای دیگری با او ملاقات کند. او باید از ابتدا، فرض بر آن داشته باشد که اعضا خواهند خواست راجع به موضوعات مختلف در محیط خلوت دفترش با او صحبت کنند. حتی اگر موضوع عمده ای نبوده باشد و بیش از یک جلسه نیاز نداشته باشد، کشیش از این طریق پرویز را چنان هدایت خواهد کرد که راجع به هر موردی در دفترش صحبت کند. پس از یک یا دو تماس غیر رسمی، برای جمشید ساده تر و طبیعی خواهد بود که راجع به مسائل شخصی خود به دفتر او مراجعه کند. در حقیقت، جلسات آزاد و دوستانه ای که در دفتر کشیش صورت می گیرند معمولاً تبدیل به صحبت راجع به موضوعات شخصی می شوند. اگر کشیش همیشه جانب دفترش را بگیرد، اعضا نیز به جانب دفترش هدایت خواهند شد. اگر موضوع جزئی است و می توان راجع به آن با تلفن صحبت کرد، بگذارید جمشید خودش آن را بگوید. هیچ ضرری در پیش نهاد دیدار در دفتر وجود ندارد.

هیچ کشیشی بر اساس عهد جدید و اصول مسیحیت، نباید فرض کند که اعضا کلیسا خالی از مسائل و مشکلات می باشند. به عکس، باید تصور بر این داشته باشد که مسائل بسیاری در اعضا وجود دارد که حل نشده اند. آموزش بسیار راجع به گناه در زندگی ایماندار و نیازی که به تغییر وجود دارد، واضح خواهد بود و نمی تواند بد تعبیر گردد. اگر اعضای کلیسا به کشیش مراجعه نمی کنند دلیل بر آن نیست که مسئله ای ندارند. در نتیجه دلیلی که باعث آن شده را باید به طریقی جویا شد. سپس با فیض خدا باید هر چه می توان کرد تا موقعیت را اصلاح نمود.

مشاوره در دفتر مرکزی یا دفتر کشیش؟

کشیشانی معتقدند که اگر مشاوره را به جای دفتر کشیش در مرکزی بنام دفتر مشاوره مسیحی انجام دهند، مشاوره بهتر انجام خواهد شد. از کسی که هر دو را انجام داده بشنوید؛ دفتر کشیش امکانات بیشتری را فراهم می سازد. بگذارید دلیل را بگویم.

اولاً، مشاوره ای که در دفتر مرکزی خدمت می کند هیچ اطلاع قبلی راجع به متقاضی ندارد. البته همانطور که قبلاً گفته بودم، اطلاعات کلی او زیاد است، اما هرچه اطلاعات شخصی که برای رسیدگی به مسئله لازم دارد را باید برای بار اول در حالت بحرانی که متقاضی دارد از او دریافت کند. برداشتی که از او بدست می آورد، نمی تواند بر اساس ارتباط قبلی که در محیط کلیسایی بدست می آید بوده باشد. چنین برداشت هایی به طبع، عمق کمتری را خواهند داشت. مشکل اصلی مشاوره ای که در مرکز خدمت می کند این است که نمی تواند نمودار دقیقی از متقاضی بدست آورد. آن چه بدست می آورد، عجالتاً باید کفاف کار را بکند. این برداشت ها نیز، با بدست آوردن اطلاعات جدید و بهتر دائماً در حال تغییر خواهند بود. برداشت های ابتدائی نیز، با احتمال زیاد اشتباه خواهند بود. اما کشیش کلیسا نکات بسیاری را از قبل در دست دارد که از طریق تماس شخصی بدست آورده است. در نتیجه کشیش خواهد توانست با اطلاعات قبلی که دارد، سریعاً به مسئله بپردازد. او لازم ندارد وقت پر ارزشی را صرف شناخت و برداشت ابتدائی متقاضی، و تغییرات بعدی آن بکند. اما مشاوره ای که در دفتر مرکزی خدمت می کند باید وقت قابل توجهی را صرف چنین کار ها بکند، و تجزیه و تحلیل اطلاعات که مربوط به موضوع مشاوره بدست آمده را به تعویق بیندازد. حال می بینیم که کشیش موقعیت برتری را دارد که باعث پیش روی سریعتر مشاوره می شود. همین فایده ممکن است تعداد جلسات مشاوره را کم کند.

"ولی شما قبلاً گفته بودید شناخت متقاضی همیشه فایده ندارد. امکان دارد مدت زیادی قضاوت غلط نسبت به عضوی داشته بود که می تواند تأثیر بدی بر روی مشاوره بگذارد!"

راجع به موضوع شناخت اعضای کلیسا باید بگویم که هر کشیش خوبی تمام مدت در حال سنجش دوباره است. کسی که قضاوت غرض ورزی را نسبت به عضوی دارد و با وجود گواه های مخالف در آن پای برجا می ماند، صفت لازمی را برای خدمت کم دارد. این شخص نه تنها مشاور ضعیفی است، بلکه در مجموع کشیش ضعیفی نیز خواهد بود. در خصوص فرق میان مشاوره مرکزی و دفتر کشیش، هر دو باید حاضر به تغییر غضاوت باشند، با این فرق که کشیش اطلاعات بیشتر و جامع تری را برای بنای سنجش دوباره در دست دارد(۶).

مشاوری که در مرکز خدمت می کند مجبور است با عجله شناخت لازم را بدست آورد. در نتیجه او نخواهد توانست تمام آنچه نیاز دارد را در فاصله زمانی که به او داده شده بدست آورد؛ همچنین نخواهد توانست تمام آنچه برای قضاوت دقیق لازم دارد را بدست آورد. بعضی از قضاوت هایش به جای آنکه دقیق باشند تقریبی خواهند بود. او متقاضی را تنها در داخل مسئله خود می بیند. او را هیچ وقت در آرامش، نشاط، شور و شوق ندیده بلکه تنها در شکل متقاضی دیده است. در خصوص موارد دیگر زندگی، مسئولیتی که نسبت به کلیسایش و دیگران نشان داده، و غیره، تنها برآورد تقریبی می کند. اما قبل از آنکه متقاضی وارد دفتر کشیش شود، این اطلاعات در دست کشیش هست.

مشاور مرکزی لازم دارد اعتبارش را با هر متقاضی بسازد، و خود را به شکل انسانی که هست نیز معرفی کند. به عبارت دیگر، نه تنها کشیش اطلاع زیادی از متقاضی دارد، بلکه متقاضی نیز اطلاع زیادی از مشاور خود دارد. متقاضی از قبل اعتماد به کشیش داشته و اگر نه برای کمک نزد او نمی آمد. در نتیجه وقت با ارزشی را در دست کشیش گذاشته است. تمام وقت کشیش از آغاز صرف مسئله او خواهد شد. این در واقع فایده عمده ایست که کشیش دارد. کشیش خوب، به دلیل آنکه از قبل رابطه صحیحی را با اعضا ایجاد کرده، به جای آنکه وقت زیادی از جلسات مشاوره را صرف ایجاد روابط لازم کند، خواهد توانست آنرا تمرکز بر مسئله نماید (۷).

کلیسای ما مرکز مشاوره ای را نیز دارد، ولی از آن برای تعلیم و تربیت کشیشان برای خدمت مشاوره مسیحی استفاده می کنیم تا نیازی برای فرستادن اعضایشان به جای دیگر نداشته باشند(۸). شکی نیست در رابطه با اطلاعات اولیه، کشیش برتری دارد. با این وجود این تنها برتری که دارد نیست. موضوع مهم دیگری را در نظر بگیرید: مشاوره ای که در دفتر مرکزی صورت می گیرد فاقد قدرت است. نهایتاً مشاور مرکز میتواند بگوید، "اگر در این کار جدی نخواهید بود، اشخاص دیگری انتظار نوبت هستند و می خواهند جای شما را بگیرند"، او را اخراج کند و در صورت لازم کشیش او را با خبر سازد. ولی این در حقیقت کافی نیست. اما کشیش به عوض قدرت و امکانات انضباط کلیسا را از ابتدا در دست دارد تا پشتوانه مشاوره خود نماید. کشیش می تواند بگوید، "پرویز خان، شما تحت مراقبت مشایخ این کلیسا هستید. آن ها باید راجع به شما به خدا جواب گو باشند و مراقبت از شما را نشان دهند. شما بخاطر اقتداری که عیسی مسیح به آن ها داده باید از ایشان اطاعت کنید".

عبرانیان ۱۳

۱۷: از رهبران خود اطاعت کنید و تسلیم آنها باشید؛ زیرا ایشان بر جانهای شما دیده بانی می کنند و باید حساب بدهند. پس بگذارید کار خود را با شادمانی انجام دهند نه با آه و ناله، زیرا این به نفع شما نخواهد بود.

وقتی عضوی اعتراف به ایمان می کند و جزء جماعت کلیسا می شود، او معمولاً قسم می خورد (با این کلمات یا کلمات دیگر) "از رهبران خود اطاعت می کنم و تسلیم آنها می شوم" و "در صورتی که کمبودی

در اصول زندگی من فاش گردد، توجه به انضباط آن ها خواهم کرد؟" (۹). او چنین سرسپردگی را در مقابل خدا و اعضای کلیسا اعلام می کند. این سرسپردگی را نباید دست کم گرفت. آن پشت وانه ایست برای مشاوره مسیحی؛ بدون آن بعضی از مسائل مشاوره با پیروزی توأم نخواهند بود (مانند مسائل زناشویی). در نتیجه می بینیم تنها شخصی که اعتبارش مستند بر کشیش بودن است می تواند مشاوره مسیحی را بطور کامل انجام دهد. در مرکز، مشاوره نمی تواند کامل بوده باشد.

مشاوره دوستان نزدیک

ممکن است بگوئید، "اما اگر من با خصوصیات شخصی اعضای کلیسایم آشنا شوم ممکن است دوستی خود را با آن ها از دست بدهم. ممکن است کلیسایم را نیز ترک کنند". بیم کشیشان از نزدیکی زیاد از حد قابل درک است (۱۰). با این حال اعتبار ندارد. در مواقعی آسانتر است (اگر از این دیدگاه قضاوت کنیم) مشاوره را با شخص کاملاً بیگانه ای که قبلاً هیچ ارتباطی با او نبوده و در آینده نیز ارتباطی نخواهد بود انجام داد. شاید برای متقاضی نیز آسانتر باشد. با این حال، جز مسائل هر مسیحی این است که چگونه با مشکلات روابط میان شخصی روبرو شود. این دلیل اصلی رجوع کردن متقاضیان به مشاوره نیز می باشد. اگر خود مشاور نتواند به این مورد رسیدگی کند، چگونه انتظار دارد به متقاضیانی که مشکل روابط با دیگران را دارند کمک کند؟

آنچه متقاضی باید درک کند این است که همه مسیحیان دارای مسائل و مشکلاتند، و بیشتر مواقع محتاج کمکند. باید مشورت مسیحی را برکت خدا بشمارند و با اکراه وارد چنین رابطه ای نشوند. کشیش نیز باید بخواهد چنین مشکلی را تحمل کند. و اگر نکند، نخواهد توانست متقاضی را تشویق کند با روابط مشکل دست و پنجه نرم کند.

کشیشی که حقیقتاً می خواهد کشیش باشد (یعنی شبان)، باید بیاموزد چگونه عمیقاً در زندگی گوسفندانی که خدا به او سپرده دخالت کند؛ راه دیگری نیست. او باید بیاموزد "با کسانی که شادمانند، شادی کنید، و با کسانی که غریانند، بگریید" (رومان ۱۲: ۱۵) (۱۱). آنچه یوحنا راجع به رابطه شبان با گوسفندانش نوشته را در نظر بگیرید:

یوحنا ۱۰

- ۲: اما آن که از در به درون آید، شبان گوسفندان است.
- ۳: دربان، در بر او می‌گشاید و گوسفندان به صدای او گوش فرامی‌دهند؛ او گوسفندان خویش را به نام می‌خواند، و آنها را بیرون می‌برد.
- ۴: چون همه گوسفندان خود را بیرون برد، پیشاپیش آنها گام برمی‌دارد و گوسفندان از پی او می‌روند، زیرا صدایش را می‌شناسند.
- ۵: اما هرگز از پی بیگانه نمی‌روند، بلکه از او می‌گریزند، زیرا صدای بیگانگان را نمی‌شناسند.»

این رابطه، نزدیک و عمیق تعریف شده است. گوسفندان گم نشده اند، بلکه روابط قویتری بخاطر مشاوره با کسی که حاضر است جانش را (اگر لازم باشد) فدای آن ها کند بدست آورده اند. نزدیکی در صورتی که خالصانه باشد، باعث متصل شدن گوسفندان به شبان خواهد شد. وقتی گوسفندان بدانند که شبان از آنچه می‌کشند با خبر است و با مسائلشان آشنا است، واکنش مثبتی نشان خواهند داد.

معمولاً برداشت اعضا از محبتی که کشیش نسبت به آن ها دارد تنها با اقرار به آن حاصل نمی‌شود، مگر توأم با رفتار نیز بوده باشد. گوسفندان زمانی می‌دانند که شبان آن ها را دوست دارد که حقیقتاً به نیاز

هایشان رسیدگی کرده باشد. کشیشی که قبلاً به آن ها کمک کرده مسائلمان را از طریق کلام خدا حل کنند، نیاز ندارد بگوید که آن ها را دوست دارد. گوسفندان نیز نخواهند خواست مشاوره را که چنین رفیقی شده از دست بدهند. ترس از دست دادن گوسفند بیشتر ترس می باشد تا حقیقت. حقیقت این است که مشاوره مسیحی روابط را عمیق می کند (۱۲).

البته ممکن است مشاوره دوست و یا عضوی را بخاطر سرپیچی از مسئولیت از دست بدهد. این اجتناب ناپذیر است. ولی چنین واقعه ای استثنائی خواهد بود. اما اگر بطور دائم مردم را از خود می راند، می توان گفت مشاوره او مطابق با کلام خدا نیست. به گونه ای در شبانی شکست خورده است. مسئله او نزدیک نبودن نیست، بلکه ضعف شبانی است.

شاید این ضعف در عدم وجود همه عناصر مشاوره مسیحی بوده است. مشاور ممکن است تنها از کلام خدا استفاده نکرده باشد. کتاب مقدس قدرت عظیمی را دارد؛ "زیرا کلام خدا زنده و مؤثر است و برنده تر از هر شمشیر دو دم، و چنان نافذ که نفس و روح، و مفاصل و مغز استخوان را نیز جدا می کند، و سنجشگر افکار و نیت های دل است." (عبرانیان ۴: ۱۲). ممکن است مشاور از برخورد با متقاضی دریغ نماید. ممکن است بداند چه باید بگوید و بکند ولی ترس باعث عدم اجرای آن شود. ممکن نیز هست که خوبی متقاضی را در دل نداشته باشد. شاید تنها "کارش" را انجام می دهد. چنین روحیه ای را متقاضیان برداشت خواهند کرد. شکی نیست که باعث گسستگی های بسیار می گردد. بیم و هراس او نیز ممکن است اشتباهاً بی تفاوتی او برداشت گردد. شک و تردید تأثیر بدی بر مشاوره می گذارد. اگر مشاور متوجه چنین مسئله ای در خود بشود، تنها راهی که برایش هست توبه است، و سپس از خدا بخواهد دل و جرعت مسیح را به او بدهد تا حقیقت را با راستی به متقاضی بگوید، از او طلب بخشش کند، و آنوقت به کاری که در دست دارد ادامه دهد. این بار در راه صحیح خدا.

شناخت نزدیک مشاور از متقاضی نه تنها جلال شبانی است بلکه خطر آن نیز هست. "پس خطری هم هست؟"

البته، ولی در حقیقت تمام خدمت و زندگی مسیحی خطر را همراه خود دارد. کسی خلاف آن را نگفته است. در اینجا باید گفت که دلیل کدورت روابط با کشیشان و خارج شدن آن ها از کلیسا تنها از نزدیک شدن او به اعضا پیش نمی آید. هر مشاوره که به نیاز های گوسفندان آغل دیگری که به او پناه آورده اند پرداخته، با دلسردی و دل چرکی که نسبت به شبانان پیدا کرده اند آشنا هست. البته در مواردی لازم خواهد بود آن ها را تشویق به بازگشت و آشتی با شبان کنند (۱۳). در صورت افشای حقیقت (تصور من) دلیل از دست دادن اعضای کلیسا بیشتر بخاطر رسیدگی نشدن قاطع و مستقیم به مسائلمان است تا شیوه کار مشاوره. این اشکال ممکن است از طرق مختلف بوجود آید: بی کفایتی، ترس، فلسفه غلط مشاوره مسیحی، و غیره. اما هر دلیلی که باشد، می توانید خاطر جمع باشید که خدا شبانی را که گوسفندان را مطابق با کلام هدایت می کند را برکت خواهد داد.

جلسه اول

جلسه اول از اهمیت زیادی برخوردار است. مسیر انجام کار (ایجاد افکار و رفتار لازم، تصمیمات ابتدایی، روابط ها، و غیره) توسط مشاور و متقاضی ایجاد می گردد. یادداشت هایی که مشاور در جلسه اول برداشت می کند معمولاً با یادداشت های جلسات بعدی فرق خواهد داشت. این یادداشت ها معمولاً مفصل و حاوی (۱) اطلاعات مشروح و واقعی، (۲) برداشت ها و تصورات اولیه، (۳) صورت کامل نکاتی که در آینده باید مکتشف شود، و (۴) نقل قول های بسیار خواهد بود. نگاه به نمونه ای از این یادداشت ها بهتر می تواند نشان دهد چه باید در جلسه اول انجام گردد. فراتر از جمع آوری اطلاعات نام برده (۱ تا ۴)، مشاور خواهد خواست این ها را نیز بدست آورد:

۱. او باید رهبری جلسه و سرسپردگی متقاضی را بدست گیرد.
۲. او باید منظور مشاوره را شباهت به عیسی مسیح و اساس آن را بر پایه کلام بنا سازد.
۳. او باید معلوم کند متقاضی مسیحی هست یا نیست. اگر شک زیادی وجود دارد، باید (۱) انجیل را ارائه کند یا (۲) برنامه ارائه آن را هر چه زودتر فراهم سازد.
۴. او باید برنامه خواندن کلام و دعا را برای متقاضی برپا کند (اگر وجود نداشته باشد).
۵. باید امید را بنا سازد. قبلاً راجع به این موضوع صحبت زیادی شده است.
۶. او لازم خواهد داشت مسائل اولیه را حل کند (۱۴) و یا برنامه اجرای آن را بریزد.
۷. توجه را متمرکز حل بعضی از مسائل بکند.
۸. او تکالیفی را به منظور حل مسائل اولیه و ایجاد آسایش سریع بر طبق کلام خدا فراهم سازد.
۹. او طالب هر کمکی که دیگران می توانند بدهند خواهد بود، و برنامه حضور اشخاصی که در موضوع دخالتی دارند را در جلسات فراهم سازد.
۱۰. او سعی خواهد کرد مسائل (یا مسئله) اصلی را در صورت امکان شناسائی کند.

کار مشاور در اجرای متناسب این مقاصد البته مشکل است، چون در زمان اجرای یکی، دیگری را باید نادیده بگیرد. در این خصوص اولویت را باید بنا ساخته و اجرا کند. به عنوان مثال، اگر امید نیاز حیاتی دارد، ممکن است لازم باشد نصف مدت جلسه اول (یا بیشتر) را به آن طعلق دهد. مشاوران معمولاً تمام مدت جلسه اول را صرف جمع آوری اطلاعات (شناخت) می کنند. این اشتباه بزرگی است و به سادگی می توان مرتکب آن شد. برای آنکه مشاور بتواند متقاضی را بشناسد، راه ساده و راحت این است که کمتر حرف بزند و بگذارد او داستانش را بازگو نماید. در این رابطه مشاور می تواند متقاضی را در جلسه اول تشویق به گفتن داستان خود کند. اما در خصوص اهداف اصلی مشاوره مسیحی چنین صحبت ها موفقیت کمتری را حاصل می نماید. آنچه در جلسه اول (و در صورت لزوم در جلسات بعد) حیاتی است بنای امید است، نه گفتن داستان. مشاوران نباید دچار وسوسه فقط جمع آوری اطلاعات بشوند. جمع آوری اطلاعات لازم است، ولی ساده ترین چیزی است که می توان به تعویق انداخت. اگر بنای امید وقت زیادی را به خود بگیرد، مشاور می تواند به عنوان تکلیف خانگی از متقاضی بخواهد مابقی اطلاعات (داستان خود) را بنویسد و به جلسه آینده بی آورد.

در نتیجه باید توجه متمرکز موضوعات اصلی بشود. آن ها را می توان به این شکل عنوان کرد (نه لزوماً به این ترتیب):

توبه

بنای امید

تهیه لیست آنچه باید به آن رسیدگی شود (و ارزیابی مکرر آن)

حل مسائل (خصوصاً در موارد بحرانی)

سرسپردگی متقاضی به آنچه خدا در جلسات مشاوره انجام خواهد داد

بشارت

شرح طریق آوردن همسر به جلسات مشاوره، و هر چه دیگر لازم به شرح دادن است درخواست بخشش و یا دادن بخشش.

بعضی مواقع لازم است مشاور راجع به آنچه هنوز باقی مانده و به آن رسیدگی نشده صحبت کند. این کار باعث خواهد شد (۱) متقاضی را تشویق کند که به جلسات بعدی بازگردد؛ (۲) مقتضی ببیند کار های بیشتری مانده که انجام شود؛ (۳) متقاضی را تشویق می کند ببیند که مشاور:

(الف) نقشه و برنامه ای را دارد

(ب) حرکات او کامل است و عجله در انجام کاری را ندارد

(پ) آنقدر به متقاضی اهمیت می دهد که هر چه می خواهد انجام دهد را قبلاً برایش توزیع می دهد.

استفاده از فرم صورت جلسه مشاوره مسیحی (۱۵) این امکان را به مشاور می دهد تا به آنچه ناتمام مانده، در جلسات آینده رسیدگی کند. اگر به متقاضی بگوید که این موضوع ها را در صورت جلسه آینده وارد می کند، متقاضی (۱) از برداشت یادداشت توسط مشاور خوشنود خواهد شد (۱۶) و (۲) اطمینان و آسایش از سرعتی که مشاور به خرج می دهد خواهد داشت (نه آنکه هر چه زودتر به نتیجه برسد). مشاوران باید خود را آماده کنند تا جلسه اول را بتوانند بخوبی انجام رسانند. اما در صورت شکست، آن را می توانند در جلسات بعد جبران کنند. ولی به هر حال، شروع خوب از اهمیت زیادی برخوردار است.

فهرست زیر نویس های فصل بیستم

- (۱) او نباید بگذارد "... هیچکس تو را به سبب جوانی حقیر شمارد، بلکه در گفتار و کردار و محبت و ایمان و پاکی، همه مؤمنان را سرمشق باش" (اول تیموتاوس ۴: ۱۲). این کار را می تواند با موعظه و مشورت انجام رساند.
- (۲) در این رابطه به مرقس ۳: ۱۰؛ ۷: ۳۶؛ لوقا ۵: ۱۴ و ۱۵ مراجعه کنید. در چنین صورتی لازم است مشایخ کلیسا را در خدمت مشاوره مسیحی آموزش داد تا به مشکل ازدهام و انتظار نوبت رسیدگی شود. کسانی که خدا از طریق مسائل و مشکلات لمس نموده را نباید در انتظار گذاشت. مساول وقتی تازه می باشند بهتر حل می شوند.
- (۳) برای صحبت بیشتری راجع به این موضوع مهم به کتابچه "چتر بزرگ" The Big Umbrella رجوع کنید صفحات ۱۲۳ - ۱۵۶. (این کتاب تا بحال ترجمه نشده است)
- (۴) البته در طول تمام این صحبت هایم تصور من این است که خود کشیش، مسئله را ایجاد کرده است. او باید ببیند در طول تاریخچه خدمتش، موردی بوده که اعضا را دلسر کرده است. در صورتی که چنین تصور را دارد، باید نزد مشایخ کلیسا برود و با آن ها روراست باشد و از آن ها نیز بخواهد با او روراست باشند و هر چه راجع به آن می دانند را بازگو کنند. او از مشایخ نیز می تواند کمک بگیرد تا هر مورد دیگری که جلو دارنده اعضا می باشد را کشف کنند.
- (۵) البته کشیش باید همیشه حاضر بوده باشد ارزیابی کاملتری را بدست آورد؛ در حقیقت اطلاعات جدیدی که در خصوص مشاوره بدست آورده برداشت جدیدی را همراه دارد. برداشتی که از قبل از اعضا بدست آورده باید مشروط به تجدید نظر باشد.
- (۶) کشیش باید همیشه در حال برانداز و شناخت اعضای خود باشد. این کار از روزی که وارد صحنه خدمت شده آغاز می شود، نه زمانی که عضوی وارد جلسه مشاوره می شود.
- (۷) البته کشیشی که متقاضی او از کلیسای دیگری آمده به ناچار باید مانند مشاور مرکز عمل نماید. اما متأسفانه مشاورانی که احساس گرا می باشند وقت بیش که برای ایجاد تفاهم و سازگاری از جانب زیاده می باشد. تفاهم و سازگاری را بهتر می توان فرآورده فرعی شمرد تا مستقیماً دنبال آن بود. در طریق عمل جدی و کتاب مقدسی مشاوره مسیحی، تفاهم و سازگاری با متقاضی با هدایت جلسات به جانب شناخت و برداشت قدمات اولیه حل مسئله بدست خواهد آمد.

- (۸) وقتی کشیشی عضوی را به ما می فرستد، ما آن کشیش را تشویق می کنیم دوره تعلیم مشاوره مسیحی را شروع کند. وقتی آن را انجام می دهد، دیگر عضوی از جانب او به ما فرستاده نمی شود، و این همان است که ما می خواهیم. مرکز ما برای رفع نیاز به وجود خود را می دارد.
- (۹) "آیا موافقت دارید خود را به خداوند و هیئت رهبری این کلیسا تسلیم نمائید و، در صورتی که کمبودی در اصول زندگی شما فاش گردد، توجه به انضباط آن ها کنید؟" (نمونه ای از اصول آیین نامه کلیسا)
- (۱۰) من باید اعتراف کنم که مشکلترین مشاورهایی که می کنم با کسانی است که دوستان و یا اعضای کلیسای من هستند. اما با این وجود توانسته ام تا بحال این دوستی و نزدیکی را حفظ کنم.
- (۱۱) این آیات را نیز در نظر بگیرید: رومیان ۱۲: ۱۵ و دوم قرنتیان ۱۱: ۲۹ " کیست که ضعیف شود و من ضعیف نشوم؟ کیست که بلغزد و من نسوزم؟"
- (۱۲) وقتی اعضا به یکدیگر راست بگویند باعث می شود نزدیکتر به هم شوند (افسیان ۴: ۲۵). کلام آشکارانه راجع به این موضوع صحبت کرده است. اعتمادی که کشیش نسبت به اعضای خود دارد از این طریق بدست می آید.
- (۱۳) در مواردی نیز لازم خواهد بود که از شبان کلیسای قبلی خواست به مشاور ملحق شود تا مسئله میان آن دو حل گردد.
- (۱۴) معمولاً این مسائل کوچک خواهند بود، اما اهمیت زیادی دارند. اعمال کوچک (رسیدگی به این گونه مسائل) می توانند تغییر بزرگی را در طرز برخورد متقاضی با مسائل و مشکلات زندگی فراهم سازند. حتی کوشش کمی می تواند مسیرها را معکوس نماید و مسیر های تازه ای را بنا سازد. تمام جلسات اول بدون استثنا، باید شامل تکلیف خانگی باشند. بطور مثال، زن و شوهری که با هم سازگار نیستند (و حال توبه کرده اند) ممکن است تکلیف خانگیشان این باشد که هر چه می توانند در هفته آینده برای یکدیگر بکنند. هر یک صورتی از آنچه دیگری برایش انجام داده را تهیه کند و به جلسه بعدی بیاورد و همچنین پس از مشاهده رفتار محبت آمیز قدردانی خود را ابراز کند. این کوشش ها حد عقل فایده ای که دارند این است که محبت را به گونه محسوس تشویق می کنند و رفتار های گناه آلود قبلی را معکوس می نمایند.
- (۱۵) این فرم را می توانید در قسمت ضمیمه ها بیابید.
- (۱۶) بعضی متقاضیان از برداشتن یادداشت توسط مشاور حساسیت نشان می دهند. ترس از افشای گفته های خصوصی خود دارند. در چنین صورتی لازم خواهد بود جنبه رازداری اطلاعات فاش شده و طریق انجام عملی آن برای متقاضی روشن شود. پرونده های متقاضیان باید برای مدت تغریباً زیادی (بسته به تصمیم مشایخ) در دفاتر کشیش (یا مرکز) حفظ شوند. این در صورتی است که متقاضی پس از زمانی دوباره درخواست مشاوره نماید و نیاز به تاریخچه گذشته او پیش آید و یا احتیاج دیگری از این اطلاعات باشد.